

## دوقطبی سیاسی - اجتماعی آمریکا و افق آن در انتخابات ۲۰۲۴ رحمان نجفی سیار<sup>۱</sup>

فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، سال بیست و چهارم، شماره ۱، پیاپی ۹۳، بهار ۱۴۰۲؛ صفحات ۱۸۱-۱۵۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۳۰ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۲/۰۳/۲۵

### چکیده

قانون اساسی ایالات متحده آمریکا در باره احزاب مسکوت مانده است؛ با وجود این، ساخت سیاسی این کشور، به خصوص از دهه ۱۸۵۰، به صورت دو حزبی تکامل یافته است. این نوع نظام سیاسی با وجود برخی مزایا از قبیل فراهم کردن جریان گردش نخبگان و متعادل سازی توزیع قدرت، ماهیتاً تقویت کننده روند قطبیت در عرصه های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بوده است. در طول سال های اخیر، به خصوص پس از به قدرت رسیدن دونالد ترامپ در سال ۲۰۱۷ و پیش گرفتن سیاست های افراطی راست گرایانه در عرصه داخلی و خارجی، فرآیند دوقطبی شدن در جامعه و سیاست آمریکا با شتاب بیشتری در حال وقوع است و احتمالاً در انتخابات ۲۰۲۴ نیز بروز پیدا خواهد کرد.

مسئله اساسی که مقاله حاضر در پی بررسی آن است روند دوقطبی شدن جامعه و سیاست آمریکا در افق انتخابات ۲۰۲۴ و برخی پیامدهای احتمالی آن در صحنه سیاست خارجی این کشور است. برای پرداختن به این مسئله ضمن استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و با کار بست چارچوب مفهومی جامعه دوقطبی، مؤلفه های کلیدی قطبی شدن جامعه آمریکا از قبیل رشد خشونت، افزایش خرید و فروش سلاح، رشد اعتراضات بانگه‌آه به ساخت سیاسی دو حزبی و انتخابات ۲۰۲۴ مورد بررسی قرار گرفته است. در این چارچوب انتخابات ۲۰۲۴ با توجه به تشدید فضای دوقطبی سیاسی و اجتماعی، احتمالاً زمینه ساز بروز اختلافات، اعتراضات و بروز خشونت در این کشور می شود و همچنین به تضعیف ظرفیت کشمگری آمریکا در عرصه خارجی می انجامد.

واژگان کلیدی

از جمله روندهایی که شاهد بروز آن در صحنه سیاسی بسیاری از کشورها بوده ایم، افزایش قطبیت در عرصه های سیاسی و اجتماعی است. ظهور و تشدید فضای دوقطبی پیامدهای گسترده ای از قبیل زمینه سازی رشد اقتدارگرایی، گسترش پوپولیسم، تشدید بحران های قانونی، احتمال رشد محزیه طلبی، تشدید تلاش ها برای اصلاح یا تغییر سیستم سیاسی، آشوب، امکان بروز اعتراضات گسترده و افزایش انزوای بین المللی دارد. جامعه آمریکا از مهم ترین جوامعی بوده که در طول سال های اخیر تحت تأثیر تشدید رقابت های سیاسی و همچنین احیای جریان های راست گرای افراطی، با وضعیت دوقطبی شدید سیاسی و اجتماعی مواجه شده است. تأثیرات این دوقطبی در عرصه های مختلف سیاست داخلی و خارجی این کشور نمایان شده و احزاب جمهوری خواه و دموکرات نیز به نمایی از این وضعیت تبدیل شده اند.

تشدید فضای دوقطبی حاکم بر فضای سیاسی و اجتماعی آمریکا را می توان در ابعاد مختلف سیاست داخلی و سیاست خارجی این کشور مشاهده کرد. در یک طرف این دوقطبی جریان های راست گرا قرار دارند که وابستگی حزبی عمده این افراد، حزب جمهوری خواه است. این گروه، از طرفداران جامعه تک نژادی هستند و بر حفظ هویت آمریکایی تأکید دارند. در زمینه سیاستی نیز این گروه خواهان اتخاذ رویکردهای سخت گیرانه در قبال مهاجران هستند. در سوی دیگر نیز افرادی هستند که جامعه آمریکا را ترکیبی از اقوام و ملل گوناگون می دانند و طرفدار تسهیل قوانین مهاجرتی هستند. همین فضای دوقطبی در عرصه اقتصادی این کشور نیز حاکم است؛ چنان که بخشی از جامعه طرفدار سیاست های کاهش مالیات، حمایت از شرکت های بزرگ و تسهیل در امور کارآفرینان هستند. از سوی دیگر جریان های رقیب خواهان



اجرای سیاست‌های عام‌المنفعه، افزایش مالیات‌ها با هدف حمایت از قشرهای پایین جامعه و تقویت دولت رفاهی هستند. در عرصه سیاست خارجی بحثی از جامعه آمریکا با تأکید بر قدرت و منافع ملی به دنبال حفظ جایگاه ابرقدرتی آمریکا از طریق خروج از مکانیسم‌های چندجانبه بین‌المللی هستند. در طرف دیگر نیز لیبرال‌هایی قرار دارند که معتقدند حفظ برتری آمریکا مستلزم افزایش حضور آمریکا در سازکارهای چندجانبه بین‌المللی و گسترش روندهای جهانی شدن است.

تشدید وضعیت دو قطبی در جامعه آمریکا علاوه بر آسیب‌های متعددی که به دنبال خواهد داشت، ممکن است در عرصه بین‌المللی هم موجب تضعیف هژمونی این کشور شود. ظهور فضای دو قطبی در عرصه سیاسی و اجتماعی می‌تواند مشکلات داخلی بسیاری برای آمریکا ایجاد کند تا جایی که این کشور نتواند منابع و ظرفیت‌های کافی برای مواجهه با چالش‌های پیش رو در عرصه بین‌المللی داشته باشد. فضای دو قطبی جامعه آمریکا به حدی گسترش یافته که طیفی گسترده از موضوعات مهم و غیرمهم شامل مالیات، مهاجرت، سقط جنین، بحران کرونا، ورزش، رنگ کالاهای مصرفی (آبی یا قرمز که نماد احزاب این کشور است)، سیاست‌های رفاهی، سیاست خارجی و... را دربر گرفته است.

با توجه به روندها و به رشد قطبیت در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی آمریکا و همچنین در پیش بودن انتخابات ۲۰۲۴ ریاست جمهوری این کشور، مسئله مهمی که مقاله حاضر به آن می‌پردازد، ارزیابی و تحلیل روند دو قطبی شدن جامعه و سیاست آمریکا در افق انتخابات ۲۰۲۴ و برخی پیامدهای احتمالی آن در صحنه سیاسی این کشور است. در پاسخ به این سؤال، ضمن کار بست مفهوم جامعه دو قطبی، از روش توصیفی-تحلیلی استفاده خواهد شد تا شاخص‌های کلیدی دو قطبی شدن جامعه و سیاست آمریکا و پیامدهای آن بازنگاه به انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۴ مورد بررسی قرار گیرد.



دوقطبی سازی را می توان واگرایی حاصل از نگرش ها و ایده های بعضاً افراطی تعریف کرد که افراد، نهادها یا رهبران سیاسی به آن دامن می زنند. غالب بحث های مرتبط با دوقطبی سازی متوجه نظام های فکری یا احزاب سیاسی است و یکی از کارکردهای مهم آن قرار دادن مردم و نخبگان سیاسی در تنهاد و گروه مجزا و حذف گروه های میانه روی یا مستقلی است که خارج از دو قطب تشکیل شده اند. برای مثال در انتخابات ایالات متحده جامعه نایگزیر به تبعیت از دو قطب جمهوری خواه و دموکرات است و ناپریک تجربه تاریخی، افراد مستقل با ایده های جدید، عموماً از گردونه رقابت ها حذف می شوند. تجربه دوقطبی سازی در دنیا قدمت نسبتاً زیادی دارد (کلدانی، ۱۳۹۷). در حالت طبیعی، جامعه را می توان طیفی متنوع و گسترده از افراد دانست که به شکل متناسب به سمت جریان های مختلف سیاسی و اجتماعی گرایش دارند. به عبارت دیگر توزیع نسبتاً متوازی از وابستگی افراد به جریان های راست، چپ و میانه در جامعه وجود دارد. اما اگر این توازن به هم بخورد و افرادی که در میانه طیف راست و چپ قرار دارند، کاهش پیدا کنند، جامعه با وضعیت «دوقطبی» مواجه می شود (Väyrynen, ۱۹۹۵).

نکته در خور تأمل این است که اختلاف سیاسی را نباید با وضعیت دوقطبی یا شکاف در جامعه اشتباه گرفت. طبیعتاً در هر جامعه ای اختلاف نظر وجود دارد که نه تنها وضعیتی مخرب قلمداد نمی شود، بلکه می تواند تأثیرات مثبتی در بهبود مدیریت سیاسی و اجتماعی کشور داشته باشد. اختلاف نظر در شرایط مختلفی از قبیل انتخابات می تواند به ایجاد حس تعلق و محرک اجتماعی و سیاسی نیز کمک کند؛ در حالی که دوقطبی وضعیتی است که ممکن است باعث بروز تنش های شدید سیاسی شود و آرامش جامعه بکاهد. در وضعیت دوقطبی، افرادی که خود را در چارچوب یکی از قطب ها تعریف می کنند، دیگران را

غیر خودی قلمداد می‌کنند و افراد درون قطب خود را خودی می‌دانند. وضعیت دو قطبی می‌تواند اتحاد بین مردم را نیز در مسائل و امور مختلف کاهش دهد.

احزاب سیاسی رami توان از نهادهای مهمی دانست که بعضاً می‌توانند موجب تشدید وضعیت دو قطبی در کشورها شوند. این احزاب برای دست یافتن به قدرت سیاسی، با تبلیغات خود، شکاف‌های مختلف بین مردم روستایی، شهری و مذهبی، سکولار و اختلاف نژادی، قومی را دامن می‌زنند. این وضعیت در برخی کشورها همچون آمریکا بیش از کشورهای دیگر مشاهده می‌شود. از آنجا که در ساخت سیاسی و اجتماعی آمریکا حزب‌گرایی به طور قابل توجهی با هویت اجتماعی گره خورده، دو قطبی احساسی در حال رشد است؛ به این معنی که طرفداران هر دو حزب، طرفداران حزب رقیب را نه به عنوان مخالف، بلکه بیشتر به عنوان یک تهدید برای جامعه خود قلمداد می‌کنند (Ernst, Engesser and Esser, ۲۰۱۷).

نابرابری سیاسی و اقتصادی نیز می‌تواند یکی از عواملی باشد که به وضعیت دو قطبی دامن می‌زند. تجربه نشان داده است که افراد در شرایط نابسامان اقتصادی ریسک‌پذیری پایین‌تری دارند؛ بنابراین شرایط بد اقتصادی سبب شده است تعامل گروه‌های هویتی و نژادهای مختلف یک کشور با هم کاهش پیدا کند و اختلاف و تضاد میان آنها بیش از پیش نمایان شود.

## ۲. جریان‌شناسی قطب‌های سیاسی و اجتماعی در آمریکا

عموماً افرادی که موجب تشدید فضای دو قطبی در ساخت سیاسی و اجتماعی آمریکا شده‌اند، به دو قطب راست‌گرا و چپ‌گرا تقسیم‌بندی می‌شوند که در بدترین شرایط گروه‌های راست یا چپ افراطی در رأس این قطب‌ها قرار می‌گیرند. برای نمونه بررسی نقشه توزیع میزان حملات تروریستی در آمریکا نشان می‌دهد که سهم اصلی حملات تروریستی را راست‌گرایان افراطی به خود اختصاص داده‌اند.

الف) گروه‌های راست‌گرا در آمریکا



یکی از جدی‌ترین تهدیدها علیه امنیت ملی آمریکا در برهه کنونی فعالیت گروه‌های راست‌گرای افراطی است که در دوره دونالد ترامپ قدرت بیشتری یافتند.

برای نمونه در ۳ ژانویه ۲۰۲۰/۱۳ دی ۱۳۹۸، مسئولان فدرال سه فرد منتسب به «جنبش بوگالو» را به جرم تلاش برای ایجاد خشونت در لاس وگاس و حمل مواد منفجره بازداشت کردند. یک هفته پس از آن در ریچموند، پلیس یک عضو کوکلوس کلان را که قصد زیر گرفتن معترضین یا خودروی خود داشت، بازداشت کرد. در همین زمان، اعضای جنبش آنارشیست بروکلین از اعضای خود برای شورش علیه حکومت دعوت کردند. از طرف دیگر، افراط‌گرایان از هر دو سمت در فضای مجازی در حال نشر اطلاعات غلط و حمله به یکدیگرند که پس از اعتراضات جورج فلویید و واکنش‌های دولت ترامپ و نزدیکی این اتفاقات به انتخابات آمریکا، این امر شدت گرفت. علاوه بر این در سال‌های اخیر فعالیت بیش از ۸۰ گروه مسلح در آمریکا شناسایی شده که صرفاً به برجسته‌ترین آنها توجه شده است. همچنین ممکن است برخی افراد یا گروه‌هایی که سابقه فعالیت پیشین یا وابستگی به گروه خاصی ندارند دست به اقدام مسلحانه بزنند. نقشه زیر نشان‌دهنده بخشی از فعالیت گروه‌های راست افراطی در بازه زمانی قبل از انتخابات ۲۰۲۰ آمریکا است. این وضعیت به احتمال زیادی می‌تواند در بازه زمانی قبل از انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۴ نیز تکرار شود (Stall, Kishi & Raleigh, ۲۰۲۰):

به طور کلی، جنبش های راست افراطی در آمریکا که در سال های اخیر سابقه فعالیت سیاسی، اجتماعی و مخرب داشته اند به شرح زیر هستند:

ردیف	نام گروه	نوع	احتمال خشونت
۱	تری پرسترز <sup>۱</sup>	عمدتاً نظامی	بالا
۲	اوث کیپرز <sup>۲</sup>	عمدتاً نظامی	متوسط
۳	لایت فوت میلیشیا <sup>۳</sup>	عمدتاً نظامی	متوسط
۴	سیویلین دیفنس فورس <sup>۴</sup>	عمدتاً نظامی	کم
۵	امریکن کانتینجنتی <sup>۵</sup>	عمدتاً نظامی	کم
۶	پراد بویز <sup>۶</sup>	جنبش خیابانی راست گرا	بسیار بالا
۷	پتریات پریر <sup>۷</sup>	جنبش خیابانی راست گرا	بالا
۸	بوگالو بویز <sup>۸</sup>	راست گرا- لیبرترین	بسیار بالا
۹	پپلز رایتز <sup>۹</sup>	راست گرا- لیبرترین	متوسط
۱۰	کوکلوس کلان	راست گرا- سفیدپرانگار	بالا

همان طور که در جدول مشخص است، عمده فعالیت های این گروه ها در نیمه شرقی آمریکا، به خصوص جنوب شرق و سپس در شمال غرب کشور روی داده است.

عواملی که باعث حضور این گروه ها شده اند نیز عبارت اند از:

۱. حضور در اعتراضات علیه سیاست های بهداشتی دولت؛
۲. ادراک این موضوع که کودتای چپ ها در حال وقوع است.

1. Three Percenters
2. Oath Keepers
3. Light Foot Militia
4. Civilian Defense Force
5. American Contingency
6. Proud Boys
7. Patriot Prayer
8. Boogaloo Bois
9. People's Rights



۳. عضوگیری یا آموزش اعضا؛

۴. وجود ارتباطات شخصی با پلیس یا مأموران اجرای قانون؛

۵. بروز اعتراضات علیه نژادپرستی؛

۶. حضور یا فراخوان حضور ترامپ.

در نهایت باید گفت افراط‌گرایان راست گرامسئول بخش عمده‌ای از حملات و اقدامات تروریستی هستند. گروه‌های راست افراطی ممکن است از خشونت و زور برای نیل به اهداف خود که می‌تواند برتری نژادی یا قومیتی، مخالفت با حاکمیت، خشم و نفرت نسبت به زنان، مخالفت با مهاجرت و اعتراض به برخی سیاست‌ها نظیر سقط جنین باشد، استفاده کنند.

(ب) گروه‌های چپ‌گرا در آمریکا

گروه‌های چپ‌گرا نیز همانند گروه‌های راست‌گرا ظرفیت بسیاری در قطبی کردن جامعه و سیاست آمریکا دارند. گروه‌های چپ افراطی نیز همانند راست افراطی عموماً از زور و خشونت در اعتراض به کاپیتالیسم، امپریالیسم، کلونیالیسم، مسائل حقوق حیوانات و زیست‌محیطی، سیاست‌های حامی کمونیسم و سوسیالیسم یا حمایت از سیستم‌هایی نظیر آنارشیسم استفاده می‌کنند. برخی از این گروه‌های چپ در آمریکا عبارت اند از:

➤ انتیفا: این جنبش ضدفاشیست علیه تحریکات راست‌گراها اقدام می‌کنند.

➤ ان اف سی: از تجزیه‌طلبان سیاه‌پوست که در واکنش به گروه‌های راست‌گرا ایجاد شدند. اعضای این گروه همگی سیاه‌پوست و مسلح و تحت رهبری فردی به نام «استاد بزرگ جی» هستند.

➤ سایر گروه‌های افراطی چپ‌گرا که احتمال انجام اقدامات مخرب را دارند، عبارت اند از: تورچ انتیفاتتورک،<sup>۳</sup> پوجت سوندجان براون

۱. Antifa

۲. The Not Fucking Around Coalition (NFAC)

۳. Torch Antifa Network



گان کلاب،<sup>۱</sup> ردگاردز،<sup>۲</sup> ردنک ریوالت،<sup>۳</sup> رزستی انتیفا،<sup>۴</sup> بلك  
رایدرز لبریشن پارٹی،<sup>۵</sup> بای انی مینز،<sup>۶</sup> آنتی ریسیست اکشن،<sup>۷</sup> انتیفا،<sup>۸</sup>  
رفیوز فاشیسم<sup>۹</sup> (Counter Extremism Project ۲۰۲۲).

۳. دوقطبی سیاسی- اجتماعی و رشد خشونت در آمریکا  
تشدید فضای دوقطبی سیاسی و اجتماعی در آمریکا شاخص‌ها و  
مؤلفه‌های مختلفی دارد که یکی از مهم‌ترین آنها افزایش سطح خشونت  
در جامعه است. به نظری رسد اعتراضات و اغتشاشات در دوره‌های  
آخر، تفاوت محسوسی با اعتراضات در دوره‌های پیشین داشته است که  
ریشه در تشدید فضای دوقطبی حاکم بر جامعه آمریکا دارد. این تفاوت  
به میزان خشونت اعمالی معترضین برمی‌گردد که نگرانی از بروز چنین  
اتفاقی، مسئولان ایالت‌ها را به طراحی تدابیر لازم واداشته است.  
یکی از شاخص‌هایی که نشان‌دهنده تشدید فضای دوقطبی سیاسی و  
اجتماعی در آمریکا است، میزان خرید و فروش سلاح توسط مردم  
است که نشان از افزایش احساس عدم امنیت دارد. به‌طور کلی در  
خصوص افزایش میزان فروش سلاح، دلایل متعددی می‌توان بیان کرد  
که از جمله آنها تشدید فضای دوقطبی سیاسی و اجتماعی، افزایش میزان  
اعتراضات خشونت آمیز، راه‌افتادن کارزارهای قطع بودجه پلیس  
به دلیل خشونت، نگرانی مردم از تصمیم‌های احتمالی سیاسی مبنی بر  
محدودیت حمل سلاح، کاهش سطح احساس امنیت و همچنین کاهش تعداد

۱. Puget Sound John Brown Gun Club

۲. Red Guards

۳. Redneck Revolt

۴. Rose City Antifa (RCA) بچشی از تورچ انتیفانتورک

۵. Black Riders Liberation Party (BRLP)

۶. By Any Means Necessary (BAMN)

۷. Anti-Racist Action (ARA)

۸. Antifa

۹. Refuse Fascism



زندانیان و آزادسازی آنهاست. همچنین این امر می‌تواند نشان‌دهنده این واقعیت باشد که در صورت بروز اعتراضات، احتمال حضور افراد مسلح بیشتری در اعتراضات می‌رود؛ بنابراین احتمال نمایش خشونت بیشتری وجود خواهد داشت که همین امر خود موجب تشدید فضای دوقطبی در این کشور می‌شود.

به طور کلی، در سال‌های اخیر مردم اقدام به خرید بی‌سابقه اسلحه در آمریکا کرده‌اند. فقط در کالیفرنیا حدود ۱۱۰ هزار سلاح جدید تا اوایل ژوئیه خریداری شد. ۴۳ درصد از این خریدها، متعلق به کسانی است که در گذشته اسلحه نداشته‌اند. نکته جالب‌تر آنکه بیشتر سلاح‌های خریداری شده در آن دوره نیز شاتگان‌های تاکتیکی و رایفل‌های نیمه اتومات مشابه AK-۴۷ بوده‌اند (Healy, Oct. ۱۷, ۲۰۲۰).

مراکز آماری مختلف به وضوح افزایش آمار فروش سلاح در آمریکا در سال‌های اخیر را نشان می‌دهند که بیانگر احساس عدم امنیت از دید جامعه این کشور است. افزایش میزان خرید و فروش سلاح می‌تواند نشان‌دهنده تشدید دوقطبی سیاسی و اجتماعی و احتمال بروز خشونت‌ها و اعتراضات در آمریکا باشد. به خصوص که سایر شاخص‌های ناامنی از قبیل تشدید مانورها و تمرین گروه‌های مختلف راست‌گرا و چپ‌گرا نیز نمود دیگری از ارزیابی احتمال خشونت در آمریکا به دست می‌دهد.

۵. نهادهای مؤثر در دوقطبی‌سازی سیاسی- اجتماعی در آمریکا

ساختار حزبی تصمیم‌گیری در آمریکا امکان مداخله نهادهای فراقانونی را بسیار فراهم می‌سازد. در واقع در بسیاری از موارد نهادهای فراقانونی از طریق ارتباط با نمایندگان، سناتورها، اعضای دولت و کمیته‌های اصلی و فرعی، تصمیم‌سازان اصلی سیاست در آمریکا هستند که به نوعی در دوقطبی شدن جامعه اثرگذارند:

الف) احزاب دموکرات و جمهوریخواه: احزاب در حالت عادی باید مطالبات جامعه

راکانالیزه کنند و در چارچوب‌های قانونی مورد پیگیری قرار دهند. اگر رهبران احزاب خود تابع قوانین و سیاست‌های سیاسی و اجتماعی نباشند، همین نهادها به یکی از عوامل تشدیدکننده دو قطبی در جامعه بدل می‌شوند.

(ب) اندیشکده‌ها و اتاق‌های فکر: سیاست‌های آمریکا قبل از آنکه توسط قوه مقننه و رهبران سیاسی و اقتصادی تصویب و اعمال شوند، در اتاق‌های فکر به بحث و بررسی گذاشته می‌شوند و آنگاه به شکل ایده، راهبردی یا پیش‌نویس قانون به سیاستمداران ارائه می‌شوند. چهار گروه غالب در اتاق‌های فکر عبارت‌اند از: دانشگاهیان مشهور، سیاستمداران سابق، مدیران اقتصادی و منجبران نظامی. در حال حاضر حدود ۱۸۳۰ اندیشکده و اتاق فکر همچون شورای اتلانتیک، بروکینگز، شورای روابط خارجی، بنیاد کارنگی، بنیاد هریتیج، مؤسسه هوور، مؤسسه اقدام آمریکا، بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها و... در حوزه سیاست داخلی و خارجی در آمریکا فعالیت می‌کنند که اثرگذاری زیادی در دو قطبی شدن سیاسی و اجتماعی در این کشور دارند.

(ج) مجتمع‌های نظامی و صنعتی: این مجتمع‌ها به خصوص پس از دو جنگ جهانی اول و دوم، با حمایت صیاحبان و سهامداران خود، نفوذ و اثرگذاری گسترده‌ای در ساختار سیاسی آمریکا پیدا کرده‌اند.<sup>۳</sup> در حال حاضر در آمریکا بیش از ۸۵ هزار مجتمع نظامی و صنعتی فعالیت می‌کنند و میلیون‌ها نفر نیز در این صنایع مشغول کار هستند. برای مثال چارلز ای. ویلسون<sup>۴</sup> که مدیر شرکت جنرال الکتریک و معاون اجرایی هیئت مدیره تولیدات نظامی این شرکت بود، در دولت آیزنهاور به سمت وزارت دفاع منصوب شد و نقش مهمی در راه‌اندازی جنگ ویتنام داشت. با آنکه مردم ویتنام و حتی نظامیان آمریکایی قربانی اصلی جنگ ویتنام شدند، مجتمع‌های نظامی و صنعتی آمریکا درآمدهای کلانی کسب کردند و در واقع برندگان اصلی

۱. Atlantic Council

۲. Foundation for Defence of Democracies

۳. <https://www.britannica.com/topic/military-industrial-complex>

۴. Charles Erwin Wilson



این جنگ بودند. <sup>۱</sup> مجتمع‌های نظامی و صنعتی حضور فعالی در انتخابات آمریکا دارند و کمک‌های مالی زیادی را به صورت آشکار و پنهان به سمت کاندیداهای ریاست جمهوری، نمایندگان سنا، اعضای مجلس نمایندگان و سایر مسئولیت‌های انتخابی سرازیر می‌کنند تا در صورت انتخاب شدن، سیاست‌های خود را پیگیری کنند.<sup>۲</sup>

برای مثال اعضای مجتمع‌های نظامی - صنعتی از جمله جیمز راش، نلسون گیبز، پل ولفوویتز، داو زاکایم، داکلاس فیث، گوردون انگلند و ریچارد آرمیتاژ که در شرکت‌هایی از قبیل نورثراپ گرومن<sup>۳</sup> و جنرال داینامیکس<sup>۴</sup> فعالیت می‌کردند، حضور بسیاری در سمت‌های مختلف دولت بوش (پدر و پسر) داشتند. این افراد نقش برجسته‌ای در شعله‌ور ساختن جنگ‌های اول و دوم خلیج فارس و همچنین تهاجم آمریکا به افغانستان داشتند.<sup>۵</sup> بنابراین این نهاد را می‌توان از مهم‌ترین عوامل پیگیری سیاست‌های نظامی و امنیتی قلمداد کرد که در تشدید فضای دوقطبی سیاسی و اجتماعی در آمریکا نقش مهمی داشته است.

در حال حاضر نیز شرکت‌ها و مجتمع‌های نظامی و صنعتی آمریکا نفوذ و اثرگذاری گسترده‌ای در ساختار تصمیم‌سازی آمریکا به خصوص دولت ترامپ دارند. برخی از مهم‌ترین مجتمع‌های نظامی و صنعتی مؤثر در عرصه سیاسی آمریکا، به شرح زیر هستند:

(د) لابی‌ها و کمیته‌ها: لابی‌گری و تشکیل کمیته‌های موضوعی یک فعالیت معمول در فرآیند سیاست‌گذاری در آمریکا است. بر اساس برخی ارزیابی‌ها، حدود ۱۰ هزار نفر به صورت تمام وقت در حرفه لابی‌گری در آمریکا مشغول فعالیت هستند و سالانه مبلغی بیش از ۹ میلیارد دلار صرف این فعالیت می‌شود (Fang, Feb. ۱۹, ۲۰۱۴). مراکز اصلی که لابی‌گران در آمریکا بر آن متمرکزند عبارت‌اند از: دولت، مجلس سنا،

۱. <https://monthlyreview.org>

۲. [www.opensecrets.org](http://www.opensecrets.org)

۳. Northrop Grumman

۴. General Dynamics

۵. <http://www.iisajournals.ir/article>

مجلس نمایندگان، وزارت خزانه‌داری، وزارت امور خارجه و... شرکت‌ها و صنایع ذی‌نفع اصلی‌ترین گروه‌های لابی‌گر در سیاست آمریکا محسوب می‌شوند. در زمینه سیاست خارجی نیز آپیک (AIPAC) سازمان یافته‌ترین و یکی از لابی‌های مهم فعال در عرصه سیاسی آمریکا است که دنبال‌کننده منافع رژیم صهیونیستی است. این لابی نقش مهمی در به رسمیت شناختن بیت المقدس به عنوان پایتخت رژیم صهیونیستی و همچنین تدوین معامله قرن داشته است. در جلسات سالانه آپیک شمار زیادی اعضای رده بالای آمریکا همچون سناتورها، نمایندگان مجلس، اعضای دولت، معاون رئیس‌جمهور و حتی خود رئیس‌جمهور آمریکا حضور دارند که فرآیند سیاست‌گذاری در آمریکا را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این نهاد لابی‌گر در موقعیت‌های مختلف نیز از تصویب قوانین ضد ایرانی حمایت کرده و همچنین مانع لغو تحریم‌ها علیه ایران بوده است. برای مثال در زمان جورج بوش، دولت آمریکا در تلاش بود تا برخی از تحریم‌های ایران را با هدف ورود شرکت‌های نفتی آمریکایی از جمله کونوکو فیلیپس به صنعت نفت ایران لغو کند که با مخالفت شدید آپیک و برخی شخصیت‌های سیاسی آمریکا مواجه شد. در سال ۱۳۹۲ (۲۰۱۳) نیز پس از پیشرفت‌های چشم‌گیر در صنعت هسته‌ای کشور و بعد از انتخابات ریاست جمهوری ایران، آپیک در یک بیانیه مهم خواستار تشدید فشارها علیه ایران برای وادار سازی به مذاکره شد. از زمان صدور این اعلامیه، دولت او باما به صورت جدی‌تری مذاکرات با دولت ایران را آغاز کرد که در نهایت به امضای برجام ختم شد.<sup>۱</sup>

ه) شرکت‌ها و رسانه‌ها: شرکت‌های بزرگ به خصوص رسانه‌ها را می‌توان بازیگران بی‌رقیب در عرصه سیاسی و اجتماعی آمریکا دانست و به همین علت یکی از عوامل تأثیرگذار مهم بر دو قطبی شدن جامعه آمریکا این نهادها به شمار می‌آیند. اگرچه رسانه‌ها باید مستقلانه به پوشش اخبار سیاسی پردازند، اما تقریباً همه رسانه‌های آمریکایی

۱. <https://www.aipac.org/~media/Publications/Policy%۲۰and%۲۰Politics/AIPAC>

وابسته به شرکت‌هایی هستند که با اهداف سیاسی و بعضاً با هدف درآمدزایی از پوشش اخبار، فعالیت می‌کنند. رسانه‌های بزرگی از قبیل والت دیزنی، سی‌ان‌بی‌سی، اسی‌بی‌اس کوپوریشن، نیوز کوپوریشن،<sup>۳</sup> تایم وارنر،<sup>۴</sup> بلومبرگ<sup>۵</sup> و هزاران رسانه چاپی و تصویری دیگر به شکلی مستقیم یا غیر مستقیم بر امر قانون‌گذاری، سیاست‌گذاری و جهت‌دهی به افکار عمومی در آمریکا تأثیری گذارند. علاوه بر رسانه‌ها، شرکت‌های دیگر در حوزه آی‌تی از جمله اپل،<sup>۶</sup> گوگل،<sup>۷</sup> مایکروسافت،<sup>۸</sup> اینتل<sup>۹</sup> و... در حال جهت‌دهی به افکار عمومی و مسیر سیاست‌گذاری در آمریکا هستند. این شرکت‌ها با برداری از پشتوانه سیاسی و دیپلماتیک نهادهای سیاسی و امنیتی آمریکا توانسته‌اند تا حدودی نفوذ خود را گسترش دهند. این شرکت‌ها با مکانیسم‌هایی همچون مختراف افکار عمومی، جاسوسی از کاربران، نفوذ اجتماعی، ارتباط با نهادهای امنیتی و سیاسی و... در امر سیاست‌گذاری مداخله می‌کنند.

۵. دوقطبی سیاسی - اجتماعی و انتخابات در آمریکا

ششمین انتخابات ریاست جمهوری آمریکا روز سه‌شنبه ۵ نوامبر ۲۰۲۴ / ۱۵ آبان ۱۴۰۳، برگزار خواهد شد و ۵۳۸ الکترال آمریکایی بر اساس آرای عمومی در ایالت‌شان تصمیم خواهند گرفت سکان مدیریت سیاسی کشور را به کاندیدای حزب دموکرات (به احتمال زیاد جو بایدن) یا کاندیدای حزب جمهوری خواه بسپارند. ساخت سیاسی دو حزبی

۱. CNBC
۲. CBS Corporation
۳. News Corporation
۴. Time Warner
۵. Bloomberg
۶. Apple
۷. Google
۸. Microsoft
۹. Intel

به صورت کلی تشدیدکننده فضای سیاسی و اجتماعی دوقطبی در جامعه است. این وضعیت به خصوص در صحنه سیاسی و اجتماعی آمریکا مشاهده می شود. یکی از پیامدهای مهم فضای دوقطبی بروز خشونت و اعتراضات پس از رویدادهای مهم سیاسی از قبیل انتخابات است. اعتراضات پس از اعلام نتایج انتخابات ریاست جمهوری در آمریکا، دارای سابقه تاریخی بسطیاری است. به طور کلی، انتخابات ریاست جمهوری آمریکا همواره مناقشه برانگیز بوده و به دلیل نوع برگزاری انتخابات در این کشور موجب بروز اعتراضات شده است. این اعتراضات در سال ۲۰۰۰ که کاندیداها در ابتدا از پذیرش نتایج سرباز زدند، تا حدودی شدید بود. در این سال، در ۱۱ نوامبر اعتراضاتی در ایالت جورجیا شکل گرفت یا در ۲۲ نوامبر، چند هزار معترض که به نام شورش بروکز برادرز معرفی شد، در فلوریدا به خیابان ها آمدند.

در سال ۲۰۱۶ نیز هزاران نفر از مردم (عموماً دموکرات ها) پس از اعلام نتایج انتخابات، به خیابان ها آمدند. گستره این اعتراضات نیز بوستون، شیکاگو، پورتلند، سیاتل، ماساچوست و پنسیلوانیا بود. برای مثال در اوکلند جمعیتی حدود ۶۰۰۰ نفر به خیابان ها آمدند و اقدام به تخریب برخی اماکن کردند. در لوس آنجلس، دموکرات ها بزرگراه ۱۰۱ را بستند و در نیویورک مقابل برج ترامپ تجمع کردند. این اعتراضات تا پس از تحلیف دونالد ترامپ ادامه داشت. همچنین در ۲۱ ژانویه ۲۰۱۷/۲ بهمن ۱۳۹۵، شاهد تظاهرات در حمایت از زنان با حضور میلیون ها نفر علیه ترامپ در آمریکا بودیم.

شاید انتخابات ۲۰۲۰ را که موجب پیروزی جو بایدن و در نتیجه اعتراض طرفداران دونالد ترامپ و حتی تصرف ساختمان کنگره توسط معترضان شد بتوان یکی از اعتراضات انتخاباتی مهم در تاریخ آمریکا دانست که هنوز هم تأثیرات سیاسی آن دامن گیر آمریکا و حتی شخص دونالد ترامپ شده است. مسئله از آنجا آغاز شد که روند تشدید فضای

دوقطبی در آمریکا از سال ۲۰۱۶ به بعد تحت تأثیر دو انتخابات ریاست جمهوری (۲۰۱۶ و ۲۰۲۰)، سرعت بیشتری گرفت. در سال ۲۰۱۶، ۳۹۵/۱ رقابت میان دونالد ترامپ و هیلاری کلینتون و همچنین در سال ۲۰۲۰ رقابت بین ترامپ و جو بایدن، یکی از پرتنش‌ترین فضاها سیاسی در این کشور را ایجاد کرد. پیروزی ترامپ در سال ۲۰۱۶ موجب بروز اعتراضاتی گسترده شد. برای مثال، زنان، رنگین‌پوستان، اقلیت‌های مذهبی و مهاجرین در زمره بزرگ‌ترین مخالفان و معترضین دونالد ترامپ بودند که این اعتراضات حتی تا ۴ سال بعد از انتخاب دونالد ترامپ نیز با شدت و ضعف، ادامه داشت. این اعتراضات به خصوص پس از اتخاذ سیاست‌های تند ترامپ در قبال مهاجرین و جدا کردن کودکان از خانواده‌ها و ساخت دیوار مکزیک تشدید شد. در ماه‌های بعد و در دوران انتخابات ریاست جمهوری آمریکا در سال ۲۰۲۰ نیز مجدداً فضای سیاسی و اجتماعی آمریکا به شدت دوقطبی شد. در دوران قبل از انتخابات ۲۰۲۰، عواملی از قبیل شیوع کرونا (و تصمیم‌های دولت پیرو آن)، قتل جورج فلویید و در نهایت توییت‌های تحریک‌کننده ترامپ به تشدید نارضایتی‌ها و تنش‌ها در آمریکا انجامید.

اکنون که حدود ۱۶ ماه تا ششمین انتخابات ریاست جمهوری آمریکا در نوامبر ۲۰۲۴ باقی مانده، فضای سیاسی و اجتماعی این کشور تحت تأثیر رقابت‌های پیش‌رو به سمت دوقطبی شدن پیش می‌رود. تجربه تاریخی چند دوره اخیر نشان داده است که اوج قطبی شدن فضای سیاسی و اجتماعی آمریکا، در بازه زمانی یک سال قبل تا یک سال بعد از انتخابات ریاست جمهوری آمریکا اتفاق می‌افتد.

بنابراین همان‌طور که مشخص است، جامعه آمریکا با وجود دوقطبی و تنش بسیار زیاد موجود در خود، آستان اعتراضات و آشوب زیادی است. این تلنگر می‌تواند انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۴ و بروز اختلاف یا طرح ادعاهایی نظیر تقلب توسط کاندیداها در آن باشد که می‌تواند هواداران دو کاندید را به خیابان‌ها بیاورد و جامعه دوقطبی این کشور را به اعتراض وادارد.





۶. انتخابات ۲۰۲۴ آمریکا در فضای دوقطبی داخلی

انتخابات در ایالات متحده آمریکا عموماً به صورت دو حزبی و میان دو حزب جمهوری خواه و دموکرات است و گرچه احزاب دیگری نیز وجود دارند، اما در عمل امکان حضور جدی در رقابت و پیروزی را ندارند. مراحل و فرآیندهای برگزاری انتخابات در آمریکا را می توان در پنج مرحله زیر خلاصه کرد که با توجه به تشدید فضای دوقطبی در این کشور، در همه مراحل امکان بروز بحران و تنش سیاسی وجود دارد:

الف) ثبت نام و اخذ تأییدیه کمیسیون فدرال: در مرحله اول، پس از ثبت نام اولیه، هر یک از کاندیدها باید شرایط و ضوابط مورد نیاز در کمیسیون فدرال انتخابات را احراز کنند. پس از این مرحله تشریفاتی، مراحل بعدی انتخابات آغاز خواهد شد.

ب) برگزاری انتخابات درون حزبی: پس از واجد صلاحیت شدن هر یک از کاندیداهای شرکت در انتخابات ریاست جمهوری توسط کمیسیون فدرال انتخابات، آنها در انتخابات مقدماتی درون حزبی شرکت می کنند و اعضای هر یک از احزاب به کاندیدای مد نظرشان رأی می دهند. هدف از برگزاری این انتخابات توسط هر دو حزب اصلی آمریکا، مشخص کردن کاندیدای ریاست جمهوری برای رقابت با حزب رقیب است. البته این امر به دو صورت کاکس<sup>۱</sup> و اجماع صورت می گیرد.

ج) برگزاری کنوانسیون ملی حزب و انتخاب کاندیدای حزبی: در این مرحله نمایندگان هر یک از ایالت ها برای شرکت در کنوانسیون ملی حزب مشخص می شوند و با توجه به شخصی که بیشترین رأی را در ایالت خود کسب کرده است، در این کنوانسیون به کاندیدای برتر رأی می دهند. در نهایت هر یک از کاندیدها در هر یک از دو حزب دموکرات و جمهوری خواه که بتواند تعداد آرای بیشتری به خود اختصاص دهد، به عنوان نماینده حزب خود معرفی و وارد رقابت انتخاباتی با نماینده حزب مقابلش خواهد شد.

د) رای گیری در سطح ملی: انتخابات سراسری ریاست جمهوری نیز، همواره، بعد

۱. Caucus

از یک دوره چهار ساله، روز سه‌شنبه<sup>۱</sup> (معروف به سه‌شنبه بزرگ) بعد از اولین دوشنبه ماه نوامبر، که امسال ۳ نوامبر مصادف ۱۳ آبان خواهد بود، برگزار خواهد شد.

(ه) راجدهی الکتورها: پس از برگزاری انتخابات سراسری و رأی‌دهی مردم، الکتورها در ۱۸ دسامبر یا در رأی خود را بر اساس آرای عمومی در ایالت‌ها تقدیم‌کننده‌کنند. هر کاندیدی که بتواند ۲۷۰ الکتورال از ۵۳۸ الکتورال را کسب کند، به‌عنوان رئیس‌جمهور آمریکا انتخاب می‌شود. انتظاری رود هم گروه‌های راست‌گرا و هم گروه‌های چپ‌گرا، با افزایش تنش‌ها و فضای رقابتی در انتخابات ۲۰۲۴ آمریکا، حضور و فعالیت خود را افزایش دهند که احتمالاً در ایالت‌های چرخشی - و همچنین شهرهای حاشیه‌ای و حومه‌ای باشد. چنین حضوری در انتخابات قبلی (۲۰۲۰) در کاروان‌های حامی ترامپ مشهود بود. به‌طور کلی، ایالت‌های در معرض خطر اقدامات راست‌گرایان عبارت‌اند از: جورجیا، میشیگان، پنسیلوانیا، ویسکانسین، اورگان، کارولینای شمالی، تگزاس، ویرجینیا، کالیفرنیا، کنتاکی، اوهایو و نیومکزیکو. با ترکیب ایالت‌هایی که چپ‌ها و اعتراضات ضد نژادپرستی در آنها فعال بوده‌اند، باید ایالت‌های نیویورک، میسوری، فلوریدا، واشنگتن دی‌سی و ایندیانا را نیز به‌لیست قبلی افزود؛ هر چند از بین کل ایالت‌های مذکور احتمالاً بیشترین خطر تشدید فضای دوقطبی در پنج ایالت پنسیلوانیا، ویسکانسین، جورجیا، میشیگان و اورگان خواهد بود.

جو بایدن، رئیس‌جمهور فعلی آمریکا، به احتمال زیاد نماینده جناح لیبرال و چپ در فضای سیاسی آمریکاست. جو بایدن قبل از تصدی ریاست‌جمهوری آمریکا، از سال ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۷ به‌عنوان معاون ریاست‌جمهوری در دوره اوباما مشغول کار بود و سابقه حضور ۳۶ ساله در سنای آمریکا را نیز می‌توان در کارنامه کاری وی مشاهده کرد. نظر سنجی‌های انجام‌شده در سطح ملی حکایت از کاهش محبوبیت وی از دید رأی‌دهندگان دارد که یکی از دلایل آن را می‌توان مسائل

مربوط به کهولت سزناست. بر همین اساس به احتمال زیاد، حمایتی که اعضای حزب دموکرات در سال ۲۰۲۰ برای شکست ترامپ از وی کردند، شاید در انتخابات ۲۰۲۴ تکرار نشود. حتی اگر این حمایت در سطح سیاسی انجام شود، بایدن برای جلب آرای مردم، با چالش‌های اساسی مواجه است. شاید بهترین گزینه برای دموکرات‌ها، انتخاب کاندیدای دیگری همچون کاملا هریس یا میشل اوباما برای شرکت در انتخابات ۲۰۲۴ است؛ اما چالش این رویکرد در این است که دموکرات‌ها در حال حاضر فاقد کاندیدای قدرتمندی هستند که شانس زیادی در انتخابات ۲۰۲۴ داشته باشد. از طرف دیگر شاید جدی‌ترین رقیب حزب دموکرات در انتخابات ۲۰۲۴، دونالد ترامپ باشد که با وجود مسائل و مشکلات حقوقی، همچنان از شانس بالایی برای شرکت در انتخابات و حتی پیروزی برخوردار است. حتی اگر ترامپ موفق نشود به عنوان کاندیدای حزب جمهوری خواه در انتخابات شرکت کند، با توجه به غلبه فضای دو قطبی، بعید به نظری رسد که کاندیدای میانه‌رویی از حزب جمهوری خواه شانس پیروزی در انتخابات درون حزبی را داشته باشد. بنابراین نماینده حزب جمهوری خواه نیز به احتمال زیاد از بین چهره‌های راست‌گرای این حزب انتخاب خواهد شد.

در باره سناریوهای انتخاباتی، صرف نظر از آنچه نظر سنجی‌ها نشان می‌دهند، پیش‌بینی نتیجه انتخابات ریاست جمهوری آمریکا بسیار پچیده‌تر از چیزی است که به نظری رسد. پیش‌بینی‌های انتخاباتی مبتنی بر نظر سنجی در سال ۲۰۱۶ و پس از پیروزی دونالد ترامپ کاملاً زیر سؤال رفت. این وضعیت در انتخابات ۲۰۲۳ ریاست جمهوری ترکیه نیز تکرار شد. با وجود اینکه بیشتر نظر سنجی‌ها پیروزی کمال قلیچ‌داغ را و غلورایش پیش‌بینی کرده بودند، در نهایت رجب طیب اردوغان پیروز انتخابات شد. با توجه به زمان نسبتاً طولانی باقی مانده تا انتخابات ریاست جمهوری، هنوز برخی حوادث ناگهانی و اقدامات ممکن است روی نتیجه تأثیرگذار باشد. مواردی از قبیل افزایش نرخ حامل‌های انرژی، شاخص‌های اقتصادی، بحران اوکراین، مسئله چین و... می‌توانند عواملی برای احیای مقبولیت یا کاهش محبوبیت

داخلی بایدن باشند.

آمارهای رسمی نشان می‌دهند که بسیاری از رأی‌دهندگان آمریکادر تلاش‌اند برای شرکت در انتخابات از رأی‌گیری از طریق پست یا مراجعه حضوری زود هنگام استفاده کنند. این شیوه رأی‌دهی بیشتر به نفع حزب دموکرات است، زیرا دموکرات‌ها در مقایسه با جمهوری خواهان (۷۲ به ۲۲ درصد) به رأی از طریق پست اعتماد می‌کنند. با توجه به اینکه دولت مستقر فعلی دموکرات است، بعید است در این فرایند خللی وارد شود. آنجا که به نظری رسد موفقیت شیوه‌های جایگزین رأی‌گیری حضوری خود عاملی تأثیرگذار بر نتیجه انتخابات است، هواداران جمهوری خواه در مورد اعتبار و امنیت رأی از طریق پست تردید ایجاد کرده‌اند.

۷. دوقطبی سیاسی و سیاست خارجی آمریکا

یکی از عرصه‌هایی که می‌تواند از فضای دوقطبی اجتماعی و سیاسی آمریکا بسیار تأثیر پذیرد، عرصه سیاست خارجی است. وابستگی افراد جامعه آمریکا به یکی از دو قطب‌های اجتماعی و سیاسی این کشور می‌تواند پیامدهای بسیاری در زمینه جهت‌گیری‌های سیاست داخلی و خارجی این کشور داشته باشد. در این راستا می‌توان تحلیل‌های مقایسه‌ای از رویکردهای کلان سیاست خارجی حزب دموکرات و جمهوری خواه به عنوان دو قطب اصلی سیاسی در این کشور، در صورت پیروزی در انتخابات ۲۰۲۴ ارائه داد. انعکاس فضای دوقطبی سیاسی و اجتماعی در صحنه انتخابات و سپس عرصه قدرت باعث می‌شود تا تأثیرات این قطبیت به سطح جهانی نیز سرایت پیدا کند.

دوقطبی موجود در صحنه اجتماعی و سیاسی آمریکا در سطح اندیشکده‌ای و حامیان فکری نیز قابل ذکر است. اندیشکده‌هایی همچون شورای اتلانتیک، بروکینگز، شورای روابط خارجی و بنیاد کارنگی خوراک فکری دموکرات‌ها در تدوین راهبردها و رویکردهای سیاسی و به خصوص سیاست خارجی دموکرات‌ها



هستند. بخشی از دستور کار این اتاق‌های فکر دعوت از قانون‌گذاران و سیاستمداران باهدف تأثیرگذاری بر فرایندهای سیاسی و قانونی است. در حزب جمهوری خواه نیز در گذشته این وظیفه بر عهده اندیشکده‌هایی همچون بنیاد هریتیج، مؤسسه هوور و مؤسسه اقدام آمریکا بود که رویکرد تهاجمی کمتری در قیاس با بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها داشتند. این اتاق فکرها نقش مهمی در مشاوره به دولت جمهوری خواه ریگان، جورج بوش (پدر) و حتی جورج بوش (پسر) در اوایل دوره خود داشتند. اما از سال ۲۰۰۱ که مصادف تاسیس بنیاد دفاع از دموکراسی‌هاست، این نهاد به یکی از مهم‌ترین اتاق فکرهای نو محافظه‌کاران آمریکا، به خصوص حزب جمهوری خواه تبدیل شده است.<sup>۱</sup>

به طور خاص تردر این بخش به مقایسه رویکرد متفاوت دو قطب سیاسی و اجتماعی آمریکادر پرونده‌های مهم سیاست خارجی و بین‌المللی آمریکادر سه سطح جهانی، منطقه‌ای (غرب آسیا) و ملی (در قبال ایران) پرداخته می‌شود:

الف) سطح تحلیل جهانی و بین‌الملل

– راهبرد و رویکرد دوگانه آمریکا در قبال سازمان‌ها، رژیم‌ها و پیمان‌های بین‌المللی: پیروزی جمهوری خواهان در انتخابات ۲۰۲۴ به احتمال زیاد باعث خواهد شد تا سیاست «اول آمریکا» که پیشتر ترامپ ارائه کرده بود، بار دیگر در دستور کار این کشور قرار گیرد. این روند به صورت ناخودآگاه باعث خواهد شد تا ملی‌گرایی اقتصادی نه تنها در آمریکا بلکه در سایر کشورها نیز تقویت شود. پیامد اصلی این راهبرد تکرار دوباره روند خروج آمریکا از سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی نظیر پیمان آب و هوایی پاریس، برجام، سازمان بهداشت جهانی، شراکت ترانس-پاسیفیک و حتی ناتو خواهد بود که به تضعیف رژیم‌های بین‌المللی جهانی خواهد انجامید؛ در حالی که دموکرات‌ها بیشتر بر راهبرد امنیت مشارکتی و حفظ رهبری رژیم‌های بین‌المللی توسط آمریکا تأکید داشته‌اند.

— بحران اوکراین: دموکرات‌ها در بحران اوکراین به عنوان یکی از مهم‌ترین و جدی‌ترین مسائل سیاسی بین‌المللی، خواهان تشدید فشارهای مشترک جهانی به خصوص از جانب اعضای ناتو برای تضعیف موقعیت روسیه در این بحران هستند؛ در حالی که جمهوری خواهان، به خصوص دونالد ترامپ که یکی از گزینه‌های جدی کاندیداتوری ریاست جمهوری حزب جمهوری خواه در این کشور است، طرفدار سازش با روسیه و ارائه تضمین‌های سیاسی برای عدم پیوستن اوکراین به ناتو هستند تا هم روسیه را به عقب‌نشینی از اوکراین تشویق و هم روند روبه رشد قیمت حامل‌های انرژی را که موجب تشدید تورم شده است، کنترل کنند.

- ابزارهای سیاست خارجی: یکی از تفاوت‌های بارز دوقطب مهم قدرت در آمریکا، ابزارهای متفاوت در پیگیری سیاست خارجی است. برای مثال در حالی که جمهوری خواهان بیشتر بر شاخص‌ها و ابزارهای قدرت سخت تأکید دارند، دموکرات‌ها بیشتر روی مؤلفه‌های قدرت نرم تأکید می‌کنند. دموکرات‌ها در زمینه ابزارهای قدرت سخت نیز ترجیح بیشتری برای کار بست ابزارهای کمتر تهاجمی از قبیل تحریم‌های اقتصادی دارند. برای مثال در نظر سنجی گالوپ در سال ۲۰۱۹، در حالی که ۱۱ درصد دموکرات‌ها خواهان استفاده از گزینه نظامی برای مقابله با فعالیت‌های هسته‌ای ایران بودند، در طرف مقابل ۲۵ درصد جمهوری خواهان، این گزینه را مطلوب ارزیابی کردند. به عبارت دیگر، جمهوری خواهان تمایل بیشتری به استفاده از ابزارهای قدرت سخت و قهرآمیز دارند (Younis, August ۲۰, ۲۰۱۹).

- جهان‌روایی دلار: استفاده بیش از حد دولت آمریکا از ابزار تحریم باعث شده است تا اعتماد به این ارز کاهش پیدا کند؛ بنابراین بسیاری از کشورها تلاش کرده‌اند سهم دلار را از تجارت خود کاهش دهند تا جایی که سهم دلار از پرداخت‌های جهانی از سال ۲۰۰۰ تا کنون حدود ۳۰ درصد کاهش یافته است. به عبارت دیگر در سال ۲۰۰۰ سهم دلار از پرداخت‌های جهانی بیش از ۷۰ درصد بود، در حالی که این رقم در شرایط فعلی به حدود ۴۰ درصد کاهش یافته است. هم‌زمان با این روند،

سهم سایر ارزها به خصوص یورو و یوان در پرداخت‌های جهانی بیشتر شده است. ادامه این روند باعث می‌شود که در سال‌های آتی سهم دلار از پرداخت‌های جهانی وارد کانال ۳۰ درصدی شود و کشورها با عقد پیمان‌های پولی دو جانبه تلاش کنند نقش دلار را بیش از پیش تضعیف کنند. یکی دیگر از روندهای مطرح در این زمینه تلاش کشورهای عضو بریکس برای معرفی ارزی بین‌المللی با پشتوانه طلا است. علاوه بر این، در این زمینه می‌توان به توافق «روسیه و چین»، «توافق ایران و ترکیه»، «توافق ایران و روسیه» و... اشاره کرد. علاوه بر پرداخت‌های بین‌المللی، سهم دلار در ذخایر ارزی جهان نیز کاهش یافته است. بر اساس آخرین آمار در حالی که در فصل اول سال ۲۰۱۷ (مصادف آغاز ریاست جمهوری دونالد ترامپ) میزان ذخایر دلاری جهان ۶۲،۷۲ درصد بود، این رقم در عرض کمتر از یک سال حدود نیم درصد کاهش یافت و به ۶۲،۴۸ درصد رسید. در کنار این روند میزان ذخایر یورویی به ۲۰،۳۹ درصد، ذخایر ارزی به یین ژاپن به ۴،۸۱، ذخایر ارزی به پوند انگلیس به ۴،۶۸، و ذخایر ارزی به یوان چین هم به ۱،۳۹ درصد رسید است. به عبارت دیگر غیر از دلار، ذخایر ارزی سایر ارزهای بین‌المللی همگی افزایش سهم داشته‌اند.

– حوزه آتلانتیک و اروپا: جمهوری خواهان به خصوص دونالد ترامپ، در دوره خود چالش‌های زیادی با اروپاییان در مواردی نظیر پیمان آیب و هوایی، ناتو، برجام و فعال‌سازی مکانیسم ماشه، مسئله فلسطین و تجارت آزاد داشته‌اند. انتخاب مجدد ترامپ در انتخابات ۲۰۲۴ می‌تواند به معنای استمرار یکجانبه‌گرایی آمریکانظر اعمال تعرفه‌ها، خروج از توافق‌نامه‌های بیشتر و افزایش ناهماهنگی آمریکا با طرفین اروپایی در مواردی نظیر رویکرد نسبت به بحران اوکراین و چین باشد. در طرف مقابل، با توجه به رویکرد چندجانبه‌گرایانه دموکرات‌ها، پیروزی این حزب باعث تداوم بهبود نسبی روابط بین آمریکا و اروپا خواهد شد.

چین: با توجه به اینکه چین اصلی‌ترین ابر قدرت بالقوه رقیب آمریکا محسوب می‌شود، رقابت و بعضاً تضاد منافعی با آمریکا، امری



اجتناب ناپذیر است. از سال ۲۰۰۰ به بعد، میزان استناد به چین در اسناد راهبردی امنیت ملی آمریکا به عنوان یک تهدید بالقوه مدام در حال افزایش بود و در دوران دونالد ترامپ نیز به اوج خود رسید. با وجود رویکرد کلی دولت ترامپ مبنی بر کاهش حضور نظامی در خارج از کشور، حضور آمریکا در حوزه چین از ۳۲۵ هزار نفر در سال ۲۰۱۲ به ۳۷۵ هزار نفر در قالب فرماندهی ایندوپاسیفیک افزایش یافت. دولت آمریکا ۶۰ درصد کشتی‌های جنگی، ۵۵ درصد نیروی زمینی و همچنین دو سوم نیروهای تفنگدار را در این حوزه مستقر و جدیدترین تسلیحات رانیزبه این منطقه ارسال کرده است. آمریکا به طور هم‌زمان در حال ارتقای توان رزمی و نظامی متحدان خود پیرامون چین شامل ژاپن، تایلوان، کره جنوبی و... است (Sushentsov, ۱۴ Dec. ۲۰۱۳). با توجه به روندی که دولت‌های جمهوری خواه در آمریکا پیش گرفته‌اند، پیش‌بینی می‌شود در صورت پیروزی آنها، سطح مبادلات تجاری چین و آمریکا به روند نزولی خود ادامه دهد و آمریکا بیش از پیش از ابزار تحریم‌ها علیه این کشور استفاده کند. برای مثال پیش‌بینی می‌شود تحریم‌های آمریکا علیه شرکت‌هایی همچون هواوی، زد تی ای، تیک تاک، وی‌چت و تنسنت، به سایر نهادها و شرکت‌های چینی همچون بانک‌های بزرگ این کشور نیز سرایت کند. در حالی که تعهد دموکرات‌ها به تجارت آزاد و قوانین سازمان تجارت جهانی باعث می‌شود که این حزب، رویکرد کمتری سخت‌گیرانه‌ای در قبال چین داشته باشد. با پیروزی دموکرات‌ها احتمالاً شاهد تقویت چند جانبه‌گرایی، تمرکز مجدد بر جنوب شرق آسیا و تقویت اتحاد‌های سنتی به خصوص در این منطقه، خواهیم بود. همچنین به رغم عدم همکاری در برخی زمینه‌ها با چین، در برخی موارد محدود، همکاری صورت خواهد گرفت.

- روسیه: یکی از تفاوت‌های اساسی جمهوری خواهان و دموکرات‌ها، اولویت دشمنان آمریکا از نظر این دو حزب است. اگرچه از نظر دموکرات‌ها، روسیه تهدید اصلی برای آمریکا است، اما از نظر بسیاری از جمهوری خواهان، کشورهای آسیایی از قبیل چین و ایران تهدیدهای جدی‌تری به شمار می‌آیند.



- آمریکا لاتین: نگاه تهدیدمحور جمهوری خواهان به نظام بین الملل، در قاره آمریکا نیز نمود یافته است. مکزیك به عنوان همسایه جنوبی آمریکا، هدف فشارهای تجاری و مهاجرتی سختی از جانب آمریکا بوده است. اما اوج تنش های سیاسی آمریکا در محیط منطقه ای خود، متوجه ونزوئلا و کوبا بوده است. سطح فشارها در مورد ونزوئلا تا آستانه تغییر رژیم و جایگزین سازی خوان گوایدو به جای نیکلاس مادورو پیش رفت که البته توفیقی پیدانکرد. در مقابل، دموکرات ها که بخشی - از پایگاه رأی شان از جانب مهاجران است، به احتمال زیاد سیاست درهای بازرادری این کشورها پیش می گیرند. به طور کلی دموکرات ها، با توجه به سابقه چنددهه ای شکست سیاست تغییر رژیم، این راهبر در اولویت اول خارج می سازند و دنبال اعمال تغییرات تدریجی در نظام سیاسی کشورهای هدف همچون ونزوئلا و کوبا خواهند بود.

(ب) سطح تحلیل منطقه ای: غرب آسیا

- حضور منطقه ای آمریکا در غرب آسیا: در زمینه حضور منطقه ای، با وجود تفاوت های اعلامی از طرف دو حزب، تغییر اساسی مشاهده نمی شود. به طور کلی جمهوری خواهان بارها بر علاقه خود مبنی بر کاهش تعداد نیروها در پایگاه های فرامرزی پافشاری کرده اند. جمهوری خواهان در تلاش اند هزینه های حضور نیروهای آمریکایی در منطقه را کاهش دهند. در طرف مقابل، دموکرات ها علاقه مند حمایت نظامی از متحدان منطقه ای خود هستند و چشم داشت کمتری برای حضور مستقیم نظامی در کشورهای غرب آسیا دارند.

- مسئله فلسطین و حضور منطقه ای رژیم صهیونیستی: «امنیت اسرائیل» کلیدواژه ای است که بدون اغراق می توان گفت مورد تأکید همه رؤسای جمهوری ایالات متحده آمریکا بوده و جزء دغدغه ها و اهداف اصلی این کشور در حوزه سیاست خارجی به شمار می آید. حمایت های مالی لابی های



صهیونیست به ویژه «ایک» (کمیته روابط عمومی آمریکا و اسرائیل) بر هیچ کس پوشیده نیست و به اذعان خود آمریکایی‌ها، بخش قابل توجهی از اراچه در انتخابات ریاست جمهوری و چه در انتخابات کنگره یا حمایت‌های مالی و رسانه‌ای آنان به دست می‌آید. انتقال سفارت آمریکا به بیت المقدس، طرح معامله قرن و رسمیت بخشیدن به بلندی‌های اشغالی جولان به عنوان بخشی - از خاک اسرائیل از سوی ترامپ و تلاش برای تداوم روند عادی سازی کشورهای عرب منطقه غرب آسیا با اسرائیل مثال‌هایی از اقدامات ترامپ جمهوری خواه برای جلب نظر اسرائیل و لابی‌های وابسته به آن است. با توجه به همه مواردی که تشریح شد، بدون تردید صهیونیست‌ها و لابی‌های وابسته به آنان الطاف جمهوری خواهان را فراموش نخواهند کرد و احتمالاً حمایت تمام عیاری از این حزب انجام می‌دهند. این وضعیت با توجه به استقرار یک دولت راست‌گرای افراطی در سرزمین‌های اشغالی، بسیار محتمل به نظر می‌رسد. در حالی که عمده دموکرات‌ها، راه حل دو دولت را به رسمیت می‌شناسند که مخالف شهرک‌سازی‌های بیشتر رژیم صهیونیستی در فلسطین است. البته با وجود مخالفت آمریکا در دولت‌های پیشین با شهرک‌سازی‌های رژیم صهیونیستی، آمریکا اقدام عملی چندانی برای مقابله با این روند انجام نداده که نشان‌دهنده عدم مخالفت واقعی آنهاست. بنابراین تجربه تاریخی نشان داده است که جمهوری خواهان حمایت بیشتری از سیاست‌های صهیونیست‌ها در منطقه کرده‌اند. بنابراین به احتمال زیاد صهیونیست‌ها در انتخابات ۲۰۲۴ موافق پیروزی یک‌کاندیدای جمهوری خواه باشند.

- فروش تسلیحات: نگاه جمهوری خواهان به کشورهای منطقه غرب آسیا، به عنوان منبع درآمد پایداری در زمینه فروش تسلیحات است که ظرفیت اشتغال را در صنایع تسلیحاتی و در مناطق مختلف آمریکا افزایش می‌دهد. درآمدهای کلان کشورهای این حوزه ناشی از فروش نفت، موجب خریدهای کلان تسلیحاتی از آمریکا شده است. در مقابل دموکرات‌ها ملاحظات حقوق بشری بیشتری در قبال این کشورها دارند و خواهان محدود کردن فروش سلاح هستند.

- ترکیه: در زمینه مسئله کردها که می‌توان گفت یکی از مهم‌ترین مسائل سیاسی و امنیتی پیش روی ترکیه است، میزان حمایت جمهوری خواهان از مواضع دولت ترکیه بیشتر است. به عبارت دیگر با اینکه کردهای سوریه از متحدان آمریکا در ائتلاف بین‌المللی علیه داعش بودند، اما جمهوری خواهان در دوران ترامپ حمایت خود را از کردهای سوریه در مواجهه با ترکیه محدود کردند. در مقابل، لابی ارمنی‌ها، یونانی‌ها و قبرسی‌ها فعالیت قابل توجهی در آمریکا به خصوص در ارتباط با دموکرات‌ها دارند. دموکرات‌ها همچنین از حامیان مهم نیروهای کرد در سوریه و حتی عراق بوده‌اند. با پیروزی دموکرات‌ها در انتخابات ۲۰۲۴، احتمالاً حمایت آمریکا از کردهای سوریه تداوم خواهد یافت. دموکرات‌ها در زمینه تحریم‌های ترکیه نیز نقش فعال‌تری داشته‌اند و پیش‌بینی می‌شود در تداوم حضور دموکرات‌ها در کاخ سفید، با همراهی اتحادیه اروپا، سطح تحریم‌های ترکیه را به دلایل مختلف از قبیل خرید سامانه‌های پدافندی ترکیه از روسیه، حمله ترکیه به مواضع کردها در سوریه، مسائل حقوق بشری و فعالیت‌های حفاری و استخراج نفت و گاز در مدیترانه افزایش دهند.

(ج) سطح تحلیل ملی: ایران

چارچوب سیاست خارجی آمریکا در قبال ایران بر اساس ماهیت سیاست‌گذاری در این کشور تعیین و مشخص می‌شود. بر حسب اینکه چه گروهی در کاخ سفید حاکم است و چه گروه یا حزبی اکثریت نسبی کنگره را تشکیل می‌دهد، سیاست‌های عملی آمریکا در قبال ایران تغییر می‌کند. این تفاوت حتی در زمینه مؤسسات تحقیقاتی که مشغول تهیه گزارش، تدوین قانون و اتخاذ اصول اساسی سیاست‌گذاری در قبال ایران هستند، قابل مشاهده است. به طور کلی گرچه عموماً دیدگاه مشترک دموکرات‌ها و جمهوری خواهان مبتنی بر «تهدید بودن» جمهوری اسلامی ایران است، اما راهبرد، رویکرد سیاسی و عملیاتی دو حزب اصلی آمریکا در قبال ایران متفاوت است. برخی از مهم‌ترین محورهای تفاوت جمهوری خواهان و دموکرات‌ها در مواجهه با مسئله ایران به



شرح زیر است:

- تجمیع یا تفکیک حوزه‌های امنیتی: در حالی که جمهوری خواهان به تجمیع حوزه‌های امنیتی اعتقاد دارند، دموکرات‌ها به تفکیک حوزه‌های امنیتی در قبال ایران معتقدند. به عبارت دیگر دموکرات‌ها در تلاش اند حوزه‌های امنیتی مورد اختلاف را یک به یک حل و بدین صورت بحران در مناسبات دو کشور را رفع کنند. باراک اوباما نیز با چنین رویکردی ابتدا در تلاش برای حل مسئله هسته‌ای ایران برآمد و می‌خواست در آینده نیز سایر مسائل از قبیل برنامه موشکی و مسائل منطقه‌ای را بر طرف سازد. در مقابل جمهوری خواهان از جمله دونالد ترامپ در تلاش بودند با تجمیع حوزه‌های امنیتی، همه مسائل فی مابین را در یک بسته سیاسی حل کنند.

- رویکرد سخت در مقابل رویکرد نرم: دموکرات‌ها عمدتاً در برخورد با ایران به استفاده از رویکرد نرم معتقدند، در حالی که جمهوری خواهان تأکید بیشتری بر رویکرد سخت از جمله سیاست‌های امنیتی، نظامی یا حتی جنگ و تغییر رژیم دارند. در دوره اخیر نیز شاهد حمایت جمهوری خواهان از کمپین فشار حداکثری آمریکا با اتکا بر ابزارهای سخت همچون تحریم، ترور، مداخله در امور داخلی و حمله مستقیم به نیروهای مقاومت در منطقه بودیم.

- اولویت‌بندی موضوعی: در حوزه اولویت‌های سیاسی تفاوت بارزی بین دو حزب دموکرات و جمهوری خواه وجود دارد. برای مثال گرچه مسئله حقوق بشر یکی از ابزارهای اصلی فشار دموکرات‌ها علیه ایران است، اما مسائلی از قبیل نفت و منافع اقتصادی برای جمهوری خواهان اهمیت بیشتری دارد.

- یکجانبه‌گرایی یا چندجانبه‌گرایی: در حالی که دموکرات‌ها در راستای تشدید فشارها علیه ایران به چندجانبه‌گرایی بین‌المللی روی می‌آورند و تلاش می‌کنند نظر سایر کشورها به خصوص اروپاییان را با خود همراه سازند، اما جمهوری خواهان عمدتاً با تلاش‌های یکجانبه به تشدید فشارها علیه ایران پرداخته‌اند.

- توافق هسته‌ای: اگرچه موضوعات مربوط به سیاست خارجی تا قبل از حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ تأثیر چندانی بر انتخابات ریاست جمهوری آمریکا نداشت،



اما بعد از رویداد مذکور مسائل و مواضع مربوط به حوزه سیاست خارجی در کنار موضوعات مهمی از قبیل امنیت داخلی، بیمه‌های درمانی، اقتصاد ملی، بیکاری، مهاجرت و... به عنوان یکی از موضوعات اصلی در مناظره‌های انتخاباتی مطرح می‌شود. در انتخابات ۲۰۲۴ نیز موضوع ایران، به ویژه برنامه هسته‌ای و نیز خروج آمریکا از این توافق احتمالاً به یکی از مباحث کلیدی مورد توجه هر دو حزب تبدیل خواهد شد. هر چند رویکرد دموکرات‌ها و جمهوری خواهان در حوزه سیاست خارجی تا حدی متفاوت است، اما اهداف آنان به ویژه در موضوعاتی مانند «مقابله با ایران» یکسان است. به نظرمی رسد تهدید نشان دادن جمهوری اسلامی ایران نقطه اشتراک هر دو نامزد انتخاباتی است که به نوعی تأمین‌کننده منافع آمریکا در غرب آسیاست. آنها از این طریق با استفاده از تهدیدزایی به کسب درآمد و باج خواهی از متحدان خود در غرب آسیای پردازند و از طرف دیگر موجبات خشنودی صهیونیست‌ها را فراهم می‌آورند.

فشار حداکثری جمهوری خواهان در مقابل مهار چندجانبه دموکرات‌ها: سیاست خارجی جمهوری خواهان در برابر جمهوری اسلامی ایران بر اساس فشار حداکثری - امتیاز حداکثری بنا شده است و در صورت پیروزی جمهوری خواهان در انتخابات نوامبر ۲۰۲۴ این راهبرد احتمالاً مجدداً در دستور کار دولت آمریکا قرار خواهد گرفت. خروج یکجانبه از توافق نامه برجام و پیگیری راهبرد فشار حداکثری از طریق آغاز جنگ ترکیبی (هیبریدی) با جمهوری اسلامی ایران مجموعه‌ای از تلاش‌های جمهوری خواهان در دوره ترامپ برای تشدید فشارهای سیاسی و اقتصادی علیه ایران و وادار سازی کشور به مذاکره سازشکارانه (سلیم) بوده است. هدف از مذاکره مطلوب جمهوری خواهان تغییر رفتار جمهوری اسلامی ایران به صورت هم‌زمان در سه حوزه هسته‌ای، موشکی و نفوذ منطقه‌ای بوده است. لایه منطقه‌ای راهبرد فشار را می‌توان در قالب فشارهای ائتلاف‌سازی و تهدید نظامی، عدم دسترسی به بازارهای منطقه‌ای و مجاور و ائتلاف‌سازی سیاسی خلاصه کرد. در مقابل، راهبرد دموکرات‌ها در قبال ایران بر پایه دو ستون مهار چندجانبه و مهار تدریجی بنا

نهاده شده است. دموکرات‌ها همواره همکاری با نهادهای جهانی و قدرت‌های بزرگ را برای حل مسائل امنیتی آمریکا دنبال کرده‌اند. مهار گام به گام (توافق منقطع هوشمند) دومین ستون از راهبرد دموکرات‌ها در قبال ایران است. مهار تهدیدها به صورت توافقات زنجیره‌وار و با فاصله زمانی مشخص یکی از اصول راهبردی دموکرات‌ها بوده است. در این راهبرد تهدیدها به صورت یک پروژه کلان و یکپارچه دیده نمی‌شوند و به صورت جزء به جزء حل و فصل می‌شوند (Biden, Jr., Jan. ۲۳, ۲۰۲۰).

- گفت‌وگوهای رقیب در سیاست خارجی ایران در انتخابات ۱۴۰۴ ایران: یکی از محورهای مهم اثرگذاری انتخابات آمریکا بر انتخابات ایران، در مسئله انتخابات ۱۴۰۴ ریاست جمهوری در ایران است. در این چارچوب، برقراری پیوند با نیروها و گروه‌های طرفدار مذاکره با آمریکا برای کاهش مسائل اقتصادی و بی‌ثباتی‌های داخلی در دوره ریاست جمهوری او با مادر قالب حمایت از اعتراضات سال ۲۰۰۹ و مذاکره با جناح میانه رو منتهی به برجام در سال ۲۰۱۵ از جمله تجربه‌های مطرح هستند. با خروج ترامپ از برجام و اتخاذ راهبرد فشار حداکثری استفاده از ابزار بهره‌گیری از گروه‌های داخلی به منظور کشاندن ایران به میز مذاکره به شدت تضعیف شد (Charai, June ۲۱, ۲۰۱۹). در سیاست فشار حداکثری ترامپ، روی سخنش به همه ارکان حاکمیتی بود و به دنبال تقویت یک جناح خاص نبود. با پیروزی جمهوری خواهان در انتخابات نوامبر ۲۰۲۴ استمرار راهبرد عدم گفت‌وگو با یک جناح خاص به وقوع خواهد پیوست. در مقابل، از اولین پیامدهای پیروزی مجدد دموکرات‌ها در انتخابات ۲۰۲۴، تقویت گفت‌وگو با طرفدار مذاکره با آمریکا خواهد بود.

- تحریکها علیه ایران: افزایش فشارهای تحریمی از طریق ممانعت ایران برای فروش نفت به مشتریان، حذف از نظام دلار، عدم بازگشت منابع ارزی به داخل کشور و کاهش نرخ تجارت خارجی بخشی از راهبرد تحریمی جمهوری خواهان علیه ایران بوده است. در دوران حکمرانی جمهوری خواهان، یکی از ابزارهای راهبردی آمریکا در مقابله با جمهوری اسلامی ایران استفاده از تحریم‌های یکجانبه و چندجانبه بوده است. تغییر در این رویکرد با پیروزی دموکرات‌ها به صورت

برقراری تماس مستقیم با جمهوری اسلامی ایران به صورت مذاکره موردی و گام به گام در سه حوزه هسته‌ای، موشکی و منطقه‌ای با کمک متحدان جهانی آمریکا مانند الگوی برجام خواهد بود.

– ائتلاف‌سازی ضدایرانی در منطقه غرب آسیا: مقابله با حضور منطقه‌ای ایران، از راهبردهای خدشه‌ناپذیر آمریکا در قبال جمهوری اسلامی بوده است و در این زمینه تفاوتی بین جمهوری خواهان و دموکرات‌ها وجود ندارد، هر چند در روش‌های مقابله با ایران تفاوت‌هایی به چشم می‌خورد. دو خوشه شامات و خلیج فارس (یمن، سوریه، لبنان و عراق) همواره صحنه همورد امنیتی-سیاسی ایران و آمریکا و متحدان منطقه‌ای آن بوده است. جنگ سوریه و حمایت‌های مستشاری از حکومت اسد و تقویت نیروهای انصارالله یمن نقطه اوج احساس تهدید آمریکا از نفوذ منطقه‌ای ایران در دوره جمهوری خواهان بوده است. یکی از شروط لغو تحریم‌های آمریکا علیه ایران توافق بر سر کاهش نفوذ منطقه‌ای بوده است. در صورت انتخاب دوباره یک جمهوری خواه به منصب ریاست جمهوری، سیاست مهار منطقه‌ای ایران ادامه پیدا خواهد کرد. ترور سردار سلیمانی در فرودگاه بغداد، اعمال فشار بر حزب الله برای شرکت نکردن در دولت لبنان و همکاری با دولت عراق برای مهار فعالیت‌های نظامی حشد الشعبی در چارچوب کاهش نفوذ منطقه‌ای ایران در خوشه شامات انجام شده است. محور ائتلاف ضدایرانی آمریکا در غرب آسیا بر رژیم صهیونیستی، عربستان، امارات و بحرین استوار شده است. شکل دهی به ائتلاف دریایی با حضور آمریکا، عربستان، بحرین، استرالیا و برخی دیگر از کشورها، نمود دیگری از این ائتلاف‌سازی در دوران جمهوری خواهان است (Ratcliffe, Nov. ۰۷, ۲۰۱۹). جمهوری خواهان همچنین بارشدهای ایران هراسی در منطقه، توانسته‌اند پیوندهای اعراب و رژیم صهیونیستی را تقویت کنند و حتی برخی از کشورهای عربی را به توافق صلح با این رژیم وادارند. در مقابل دموکرات‌ها در سیاست اعلانی خود، از مخالفان جنگ یمن بوده و احتمالاً حمایت آمریکا از ائتلاف‌های ضدایرانی را کاهش خواهند داد که

می‌توان به کاهش فروش سلاح به کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس اشاره کرد.

- حوزه موشکی: در سیاست منطقه‌ای جمهوری خواهان تهدید جمهوری اسلامی ایران در ابعاد موشکی از فوریت بالایی برخوردار است. قانون کاتسادر سال ۲۰۱۷ ضمن هدف قرار دادن نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران، به تحدید صادرات و واردات تسلیحات راهبردی و تهدید مشتری‌های تسلیحاتی ایران انجامید است (Katzman, Feb. ۲, ۲۰۲۲). با توجه به افزایش برد موشک‌های جمهوری اسلامی ایران به سراسر منطقه غرب آسیا و اروپا (موشک‌های شهاب ۳)، برنامه موشکی جمهوری اسلامی ایران در ردیف منابع تهدیدزا برای سیاست خارجی جمهوری خواهان در آمدن و در کنار برنامه هسته‌ای، به صورت مکمل‌های دوگانه در ذهنیت تهدیدساز نخبگان امنیتی کاخ سفید تصویر شده است. برنامه موشکی ایران برای دموکرات‌ها نیز اهمیت زیادی دارد، با این تفاوت که دموکرات‌ها معتقدند توافقات آمریکا با ایران باید به صورت موضوعی و مرحله به مرحله انجام شود. به عبارت دیگر، پس از توافق هسته‌ای، توافق منطقه‌ای و سپس توافق موشکی قابل حصول است.

نتیجه‌گیری

روندهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی اخیر بیانگر تشدید فضای دوقطبی در صحنه سیاست داخلی آمریکا است. این روند تا جایی پیش رفته که موجب تشدید خشونت سیاسی، افزایش خرید و فروش سلاح و رشد چالش‌های اجتماعی شده است. فضای دوقطبی حاکم بر آمریکا به خصوص در دوران انتخابات ریاست جمهوری به بالاترین سطح قطبیت خود می‌رسد که گاه باعث بروز اعتراضات دامنه‌داری در این کشور شده است. مثال بارز این وضعیت رای توان در انتخابات ۲۰۲۰ مشاهده کرد که سطح اختلافات تا جایی پیش رفت که معترضان ساختمان کنگره آمریکا را که یکی از ارکان مهم سیاسی این کشور است، به تصرف خود درآوردند.



باتوجه به پیش رو بودن انتخابات ۲۰۲۴ آمریکا، پیش بینی می شود که احتمالاً در طول يك سال منتهی به روز انتخابات و همچنین ماه های پس از انتخابات، شاهد تشدید فضای دو قطبی سیاسی و اجتماعی در این کشور باشیم. باتوجه به سوابق قبلی و این احتمال که دونالد ترامپ یکی از کاندیداهای ریاست جمهوری باشد، بروز آشوب و اعتراض از نتایج محتمل در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا است. این مسئله بدان علت اهمیت دارد که این اعتراضات موجب تضعیف نهادهای قانونی و دموکراسی در آمریکا خواهد شد و اعتماد مردم به این ساختارهای نیز کم رنگ تری شود و در در نهایت ممکن است موجب تسریع افول هژمونی آمریکا، فقدان پشتیبانی و حمایت مردمی از تصمیم های کلان و در نهایت تضعیف دیپلماسی این کشور شود.

پیش بینی نتایج انتخابات ریاست جمهوری در آمریکا بسیار سخت است و مؤلفه های بسیاری از جمله وضعیت اقتصادی، سطح تورم، میزان اشتغال، جنگ، تنش های جدی در حوزه سیاست خارجی، مسائل مهم اقتصادی، حملات تروریستی و... می توانند بر آن تأثیر گذار باشند. از طرف دیگر، برخی مستندات تاریخی بیانگر يك قاعده نانوشته است که طبق آن در مواقعی که رقابت های انتخاباتی تنگ تنگ بوده است، جمهوری خواهان توانسته اند با کمک سیستم الکترونال، پیروز انتخابات شوند و در مقابل، دموکرات ها در برخی مواقع با وجود آرای عمومی بیشتر، همواره از این ناحیه آسیب پذیر بوده اند.

پیروزی ضعیف یکی از کاندیداها که در انتخابات آتی نیز محتمل به نظری رسد، ممکن است موجب تقویت فعالیت گروه های افراط گرا شود و حتی میزان همکاری ایالت های غیر همسوی با دولت را کاهش دهد. در چارچوب این سناریو، این فضای دو قطبی می تواند بر تصمیم ها و جهت گیری کنگرس نیز اثر گذار باشد. از طرف دیگر برخورد نیروهای پلیس با معترضان در صورت بروز اعتراضات، وجهه و حیثیت آمریکا میان اذهان عمومی جهان را پیش از پیش تضعیف خواهد کرد و امکان طرح بحث نقض حقوق بشر توسط دولت آمریکا نیز فراهم



خواهد شد.

در نهایت باید به این نکته اشاره کرد که با تشدید فضای دو قطبی سیاسی و اجتماعی، تنش‌های داخلی در آمریکا افزایش پیدا خواهد کرد و این کشور از ظرفیت و منابع کمتری برای ماجرایی در عرصه بین‌المللی برخوردار خواهد شد.



منابع و مأخذ

- گلدانی، مهدی (۱۳۹۷)، «قطبی سازی سیاسی، مفاهیم، کارکردها و جایگاه آن در فضای سیاسی ایران»، دومین همایش بین المللی حقوق علوم سیاسی و معارف اسلامی.
- Biden, Joseph R. (Jan. ۲۳, ۲۰۲۰), Why America Must Lead Again Rescuing U.S. Foreign Policy After Trump, Foreign Affairs, Available at: <https://www.foreignaffairs.com/articles/united-states/۲۰۲۰-۰۱-۲۳/why-america-must-lead-again>.
- Brennan, Elliott (۲۶ May ۲۰۲۰), Coronavirus Anti-lockdown Movement Surges in the US after Donald Trump's 'Liberate' Tweet, ABC News, Available at: <https://www.abc.net.au/news/۲۰۲۰-۰۵-۲۶/coronavirus-us-protests-on-the-rise/۱۲۲۸۸۶۸۶>.
- Bureau of Alcohol, Tobacco, Firearms and Explosives (March ۱۰, ۲۰۲۳), Data & Statistics, Available at: <https://www.atf.gov/resource-center/data-statistics>.
- Charai, Ahmed (June ۲۱, ۲۰۱۹), Trump Has a Point on Iran, So Do the Democrats, Politico Magazine, <https://www.politico.com/magazine/story/۲۰۱۹/۰۶/۲۱/donald-trump-iran-strike-۲۲۷۲۰۲>
- Counter Extremism Project (۲۰۲۲), Extremelleft Groups in The United States, Available at: [https://www.counterextremism.com/sites/default/files/upremacy\\_landing\\_files/U.S.:۲۰Far-Left:۲۰Extremist:۲۰Groups\\_PDF\\_۰۸۳۱۲۲.pdf](https://www.counterextremism.com/sites/default/files/upremacy_landing_files/U.S.:۲۰Far-Left:۲۰Extremist:۲۰Groups_PDF_۰۸۳۱۲۲.pdf)
- Ernst, Nicole, Sven Engesser, Frank Esser (۲۰۱۷), "Bipolar Populism? The Use of Anti-Elitism and People-Centrism by Swiss Parties on Social Media", Swiss Political Science Review, Vol. ۲۳, Issue ۳, Pp ۲۵۳-۲۶۱.
- Fang, Lee (Feb. ۱۹, ۲۰۱۴), "Where Have All the Lobbyists Gone?", The Nation. Available at: [www.thenation.com/article/۱۷۸۴۶۰/shadow-lobbying-complex](http://www.thenation.com/article/۱۷۸۴۶۰/shadow-lobbying-complex)
- Foundation for Defence of Democracies, Available at: <https://www.fdd.org/issue/iran/>
- Healy, Melissa (Oct. ۱۷, ۲۰۲۰), "About ۱۱۰,۰۰۰ Californians Have Bought a Ggun since the Ccoronavirus Arrived", Los Angeles Times. Available at: <https://www.latimes.com/science/story/۲۰۲۰-۱۰-۱۷/>
- Jones , Seth G., Catrina Doxsee , and Nicholas Harrington (June ۱۷, ۲۰۲۰), "The Escalating Terrorism Problem in the United States", Center for Strategic and International Studies, Available at: <https://www.csis.org/analysis/escalating-terrorism-problem-united-states>
- Katzman, Kenneth (Feb. ۲, ۲۰۲۲), Iran Sanctions, Congressional Research Service, Available at: <https://fas.org/srgp/crs/mideast/RS۲۰۸۷۱.pdf>
- Ratcliffe, Verity (November ۰۷, ۲۰۱۹), "Multinational Coalition Begins Patrolling

- Persian Gulf oil Routes", World Oil, Available at: <https://www.worldoil.com/news/۲۰۱۹/۱۱/۷/multinational-coalition-begins-patrolling-persian-gulf-oil-routes>
- Stall, Hampton, Roudabeh Kishi & Clionadh Raleigh (۲۰۲۰), Standing By: Right-Wing Militia Groups and the United States Election, The Armed Conflict Location & Event Data Project (ACLED), Available at: <https://acleddata.com/۲۰۲۰/۱۰/۲۱/standing-by-militias-election/>
  - Sushentsov, Andrey (۱۴ Dec. ۲۰۱۳), U.S. Military Presence in Asia-Pacific Region, Foreign Policy, <http://www.foreignpolicy.ru/en/analyses/u-s-military-presence-in-asia-pacific-region/> & <https://www.globaltimes.cn/content/۱۱۹۲۳۴۰.shtml>
  - The Economist (March ۱۰, ۲۰۲۰), "Political Protests Have Become More Widespread and Nore Frequent", Available at: <https://www.economist.com/graphic-detail/۲۰۲۰/۰۳/۱۰/political-protests-have-become-more-widespread-and-more-frequent>
  - Väyrynen, Raimo (Aug. ۱۹۹۵), "Bipolarity, Multipolarity, and Domestic Political Systems", Journal of Peace Research, Vol. ۳۲, No. ۳, pp. ۳۶۱-۳۷۱.
  - Wallstreet Journal (Feb. ۱, ۲۰۱۲), "Swift Sanctions on Iran", Available at: <https://www.wsj.com/articles>
  - Weinthal, Benjamin & Seth J. Frantzman (Aug. ۲۰, ۲۰۱۹), New Iranian Tanker Headed to Syria in Violation of U.S. Sanctions, Foundation for Defence of Democracies, Available at: <https://www.fdd.org/analysis/۲۰۱۹/۰۸/۲۰/new-iranian-tanker-headed-to-syria-in-violation-of-us-sanctions/>
  - Younis, Mohamad (August ۲۰, ۲۰۱۹), "Do Americans Want War with Iran?", Gallup, Available at: <https://news.gallup.com/poll/۲۶۵۶۴/americans-war-iran.aspx>

سایت‌ها

- [http://www.iisajournals.ir/article\\_۵۳۷۶۴\\_۷aa۹۰۴۷۲fb۸۳۳b۲۱۳۰۰c۹dd۴۶d۳۰۷۰۷a.pdf](http://www.iisajournals.ir/article_۵۳۷۶۴_۷aa۹۰۴۷۲fb۸۳۳b۲۱۳۰۰c۹dd۴۶d۳۰۷۰۷a.pdf)
- <https://www.aipac.org/~media/Publications/Policy%۲۰and%۲۰Politics/A>
- <https://www.britannica.com/topic/military-industrial-complex>
- <https://www.statista.com/statistics/۱۱۰۷۶۵۱/>
- [www.fdd.org](http://www.fdd.org)
- [www.opensecrets.org](http://www.opensecrets.org)
- <https://monthlyreview.org/۲۰۰۸/۱۰/۰۱/the-u-s-imperial-triangle-and-military-spending/>